

جنجال ویدئوی کتک زدن کودک در هندوستان

پلیس فتا اعلام کرد ویدئوی کتک زدن کودک که در چند روز اخیر در فضای مجازی منتشر شده، مربوط به ایران نیست.
سرهنگ رامین پاشایی، معاون اجتماعی پلیس فتا ناجا به جام گفت؛ کلیبی مبنی بر کتک زدن یک کودک در فضای مجازی منتشر شد. ابتدا اعلام شده بود این کلیپ مربوط به حادثه‌ای در ایران است اما وقتی موضوع را پیگیری کردیم، مشخص شد این کلیپ سال ۲۰۱۹ اولین بار در فضای مجازی منتشر شده و مربوط به کشور هندوستان است.

همسرکشی در پارکینگ

مردی که همسرش را در بایلسر به قتل رسانده بود، شناسایی و دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. به گزارش جامعه ۲۴، چندی قبل مرد جوانی به رفتارهای همسرش مشکوک شد و او را زیر نظر گرفت. عصر جمعه وقتی همسرش قصد خروج از خانه را داشت، او را تعقیب کرد. زن جوان وارد یک مجتمع مسکونی شد و مرد هم به انتظار او ماند و با هر ترفندی بود، وارد ساختمان شد و به انتظار آمدن همسرش کمین کرد. ساعتی بعد وقتی زن جوان با مردی غریبه به داخل پارکینگ آمدند، همسر او بدون هیچ حرفی به سمت آنها حمله کرده و با چاقو ابتدا یک ضربه به همسرش زد. مرد غریبه که شاهد صحنه بود به سمت مرد چاقو به دست آمد اما او هم در جریان درگیری مجروح شد. مرد خشمگین بدون توجه به التماس‌ها به سمت همسرش رفته و با چهار ضربه چاقو به گردن و سرش او را مجروح و بلافاصله از پارکینگ فرار می‌کند. با اعلام موضوع به اورژانس و پلیس مشخص شد زن جوان جان خود را از دست داده و مرد غریبه هم مجروح شده که با انتقال به بیمارستان از مرگ نجات یافت. با شناسایی هویت قاتل تیم‌های جنایی پلیس تحقیقات خود را آغاز کردند و موفق شدند قاتل فراری را دستگیر کنند.



دو خودروی نجات و دو آمبولانس به محل حادثه اعزام و ۱۶ مصدوم را رهاسازی و امدادسانی کرده و مصدومان را به بیمارستان شهید بهشتی منتقل کردند.
با حضور مأموران راهور و بررسی صحنه تصادف، خستگی، خواب‌آلودگی و انحراف به چپ کامیون، علت اصلی این حادثه اعلام شده است.

مجازات سنگین برای تصاحب خانه مصدق در نیاوران

می‌کنیم اما چند روز قبل متوجه شدیم ملک چند هزار متری پدرمان در مازندران و خانه گرانقیمتش در لواسان بعد از مرگ او تصاحب شده است. مرد دیگری هم با طرح شکایت علیه متهم عنوان کرد: دسته چک من جعل و با آن در بازار خریدهای میلیاردي شده است.
با تکمیل تحقیقات در این پرونده و دستگیری سه متهم دیگر، برای آنها کیفرخواست صادر شد و پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. متهمان چندین جلسه محاکمه شده اما منکر اتهام‌شان بودند.

شاکي در جلسه رسیدگی به این پرونده در دادگاه کیفری با طرح دوباره شکایتش گفت: این ملک را ۵۰ سال قبل از وارثان دکتر مصدق خریدم. من متهمان را نمی‌شناسم و هیچ مراوده مالی هم با آنها نداشته‌ام. خواستار مجازات آنها هستم. سپس متهم ردیف اول در جایگاه قرار گرفت و ادعای جدیدی را مطرح کرد و گفت: پس انداز خود را به شاکي داده بودم تا با آن تجارت کند اما وقتی پولم را خواستم، خانه مصدق را به من صلح کرد. من این خانه را در برابر طلبم گرفتم و اتهاماتم را قبول ندارم. سپس متهم دیگر در جایگاه ایستاد و گفت: از ماجرای جعلی بودن صلح نامه اطلاعی نداشتم و فریب متهم ردیف اول را خوردم.

متهمان همچنین ادعا کردند رضایت سرایدار را جلب کرده‌اند و اوشکایتی درباره آدم‌ربایی ندارد. پس از دفاعیات متهمان قضات وارد شور شده و متهم ردیف اول را به اتهام جعل، سرقت وسایل خانه و تصرف عدوانی خانه به ۱۳ سال زندان و جزای نقدی به میزان ۳۸ میلیارد تومان و بازگرداندن خانه به شاکي محکوم کردند. دیگر متهمان نیز به دلیل همدستی با متهم اصلی حکم محکومیت گرفتند.
این رای در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تأیید شد تا پایانی بر این پرونده ۱۰ ساله باشد.

متهم اصلی پرونده تصاحب خانه دکتر مصدق و سرقت وسایل قدیمی خانه به ۱۳ سال زندان محکوم شد. رسیدگی به این پرونده جنجالی ۱۰ سال طول کشید.
به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده جنجالی از ۱۰ سال قبل با شکایت یک تاجر سرشناس آغاز شد. این مرد در شکایت خود گفت: به دلیل علاقه‌ای که به دکتر مصدق داشتم، خانه حدود دو هزار متری او در محله نیاوران را با وسایل قدیمی آن از ورثه‌اش خریدم. بنا به شغلم گاهی خارج از کشور هستم و به همین خاطر سرایداری استخدام کردم تا مراقب خانه و وسایل باشد. چند روز قبل وقتی به خانه آمدم، متوجه غیبت سرایدار و سرقت وسایل قدیمی خانه شدم. پس از این شکایت، تحقیقات پلیسی آغاز شد تا این که سرایدار خانه شناسایی و به پلیس آگاهی منتقل شد. او به ماموران گفت: یک روز چند نفر به خانه آمده و با نشان دادن سندی ادعا کردند خانه را خریده‌اند. آنها سپس دست و پای مرا بسته و به خانه دیگری برده و آنجا زندانی کردند. وقتی رهایم کردند، سعی کردم با صاحبخانه صحبت کنم و ماجرا را به او خبر دهم اما پیدایش نکردم.

در ادامه خریدار خانه شناسایی شد که با نشان دادن صلح نامه‌ای ادعا کرد خانه را از خواهر شاکي خریده است. با بررسی صلح نامه مشخص شد، صلح نامه جعلی است. ماموران همچنین متوجه شدند سه نفر دیگر از جمله یک وکیل در این پرونده نقش داشته‌اند و آنها با توجه به خالی بودن خانه از فرصت استفاده کرده و با اسناد جعلی خانه دکتر مصدق را به نام خود کرده‌اند.
همزمان با این شکایت، در پرونده دیگری دو پسر جوان با طرح شکایت جدیدی علیه متهم اصلی ادعا کردند، اموال پدرشان بعد از مرگ تصاحب شده است. آنها گفتند: ما در خارج از کشور زندگی

۱۶ آذرماه رخ داد. تریلی از تهران به سمت کاشان و اتوبوس از کاشان به سمت تهران در حال حرکت بود که ناگهان تریلی با بریدن گاردریل‌ها و وارد شدن به مسیر دیگر، با اتوبوس شاخ به شاخ شد که هشت نفر بر اثر شدت جراحات فوت شدند. پس از وقوع این تصادف مرگبار، چهار تیم عملیاتی هلال احمر همراه

سحرگاه مرگ در آزادراه کاشان - قم

تصادف یک دستگاه اتوبوس در آزاد راه کاشان به قم، در محدوده پل راوند ۸ فوتی بر جای گذاشت.

منصور میرابوطالبی، رئیس جمعیت هلال احمر کاشان در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم در خصوص این حادثه گفت: حادثه ساعت ۳ و ۲۰ دقیقه بامداد دیروز-

مرد جوان با فریب دختران فراری، آنها را قربانی نیت شیطانی خود می‌کرد

راز قتل دختر فراری در خانه وحشت

مرد مسافرپر که با شکار دختران فراری آنها را به خانه مخوف خود در جنوب تهران کشانده و یکی از آنها را به قتل رسانده بود، دستگیر شد. ماموران با ورود به این خانه با دو زن دیگر روبه‌رو شدند که دست و پاهایشان بسته شده‌بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۶ و ۴۵ دقیقه دوشنبه ۱۵ آذر امسال چند نفر از ساکنان خیابانی در محله ابوسعید تهران به پلیس ۱۱۰ تهران زنگ زدند و اطلاع دادند: چند روزی است بویی نامطبوع از خانه همسایه طبقه دوم به مشام می‌رسد. در ادامه معلوم شد خواهر و برادری در آنجا ساکن هستند. این در حالی بود که ماموران کلاتری در جریان پیگیری پرونده یک خریدار اموال مسروقه هم به آن خانه رسیده‌بودند.

این موضوع باعث شک بیشتر ماموران شد. در حالی که کسی در خانه را باز نمی‌کرد، از داخل خانه صدای کمک‌خواهی زنانی به گوش می‌رسید. موضوع به قاضی کشیک تهران اطلاع داده‌شد و با دستور او ماموران وارد خانه شده و با دختری جوان با دست و پای بسته روبه‌رو شدند. در ادامه دختر جوان دیگری نیز در یکی از کمد های خانه پیدا شد که دست و پای او نیز بسته شده‌بود. با تحقیق از این دو مشخص شد، یکی از آنها هشت ماه و دیگری سه سال در آن خانه زندانی بوده‌اند. وسایل خانه هم به هم ریخته و زباله کف خانه ریخته شده بود. آنها مدعی شدند سه نفر بودند که مرد صاحبخانه سومین زن را کشته و جسدش را در کمد دیواری یکی از خانه‌ها مخفی کرده‌است. ماموران وارد این اتاق شده و با بازکردن در کمد، جسد مومیایی شده‌ای را یافتند. جسد را بیرون آوردند که معلوم شد او را داخل ۲۴ نایلون گذاشته‌اند. بررسی جسد نشان می‌داد ضربه‌های جسم سخت به سر و قفسه سینه اصابت کرده‌بود. ماموران خانه را محاصره کرده و ابتدا خواهر متهم به قتل را هنگام ورود به این خانه شناسایی و دستگیر کردند. ساعتی بعد هم سعید در حوالی خانه‌اش دستگیر شد.

او مدعی شد چند ماه است به خانه خواهرش نیامده و کسی را به قتل نرسانده و دختران نجات یافته دروغ می‌گویند. اما ماموران در بازبینی فیلم دوربین مغازه‌ندای اطراف خانه وحشت متوجه شدند او دروغ می‌گوید و به آنجا در رفت و آمد بوده‌است. متهم برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد و به قتل زن جوان اعتراف کرد. او دیروز با انتقال به شعبه دوم دادسرای جنایی تهران به تشریح این جنایت پرداخت.

۳ سال در کمد زندگی کردم

هنوز وحشت اسارت در چهره‌اش موج می‌زند. سه سال زندگی در خانه وحشت‌برایش مانند کابوس بود. او می‌گوید: «در این سال‌ها فقط حسرت زندگی گذشته‌ام را خوردم و الان حاضرم با همه سختی‌ها در کنار خانواده‌ام زندگی کنم.»

چطور با سعید آشنا شدی؟

سه سال پیش از خانه‌مان در شهرستان فرار کرده و به میدان راه‌آهن تهران آمدم و فکر می‌کردم با دنیای مستقلی روبه‌رو می‌شوم. در آنجا با سعید آشنا شدم. او برای مهمانی‌بیرها مسافر می‌برد و وقتی فهمید فرار کرده‌ام مرا به خانه خودشان و نزد خواهرش برد.

به حضور زنان دیگر در آن خانه شک نکردی؟

در آنجا چند زن و دختر جوان هم بودند که اول گفتند از اقوام‌شان هستند و با آنها زندگی می‌کنند اما بعد فهمیدم دروغ گفته و دختران و زنان فراری هستند. سعید و خواهرش چند روز اول از من پول گرفتند تا جای خواب و غذا به من بدهند اما بعد از آن کارهای خانه را انجام می‌دادم. سعید در این مدت از من سوءاستفاده کرد. وقتی او و خواهرش از خانه بیرون می‌رفتند، درها را قفل کرده و اجازه خروج به من و بقیه نمی‌دادند و به مانندن در خانه وحشت محکوم بودیم. در این مدت در یک کمد زندگی می‌کردم و فقط برای رفتن به سرویس بهداشتی بیرون می‌آمدم حتی غذایم را که نان خشک و آب بود آنجا می‌خوردم.

چرا فرار نکردی؟

علاوه بر ما سه زن دیگر هم بودند که دو نفرشان با شکستن



۲ دختر نجات یافته از خانه وحشت

شیشه پنجره‌ها و تخریب قفل‌ها توانستند فرار کنند اما ما گیر افتاده و به شدت کتک خورديم و تا چند روز حتی آب‌وغذا هم به ما نمی‌دادند. یکی را هم شوهرش در این خانه یافت و با خودش برد.

مقتول را می‌شناختی؟

بله، زنی ۳۰ساله به نام مینا بود. او نیز از خانه فرار کرده و سعید او را به این خانه آورده و اسیرش کرده بود. او چهار ماه قبل خواست فرار کند که با سعید درگیر شد و مرد جوان با ضربه‌های پیچ‌گوشتی او را کشت و تهدیدمان کرد اگر سکوت نکنیم ما را هم مثل او به قتل می‌رساند. ما چهارماه با جسد مینا در این خانه زندگی کردیم.

سال ۹۳ هم دختری را کشتم



چند نفری هم از دستم فرار کردند.

چرا زن ۳۰ساله را کشتی؟

او قصد فرار داشت و ممکن بود راز جرایمم فاش شود. به همین دلیل با او درگیر شدم و با پیچ گوشتی‌ای که خواهرم داد ضربه‌هایی به سر و قلبش زدم که مرد.

با جسد چه کردی؟

فرصتی نشد از خانه بیرون ببرم. آن را در نایلون گذاشتم و در داخل کمد مخفی کردم. هر چند روز یک‌بار برای این‌که بوی جسد نیابد و ماجرا لو نرود، یک نایلون روی آن می‌کشیدم.